

چالش‌های ماده ۱ قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می‌نمایند مصوب ۱۳۰۷ در پرتو قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹

ناصر رضوانی جویباری*

چکیده

پس از جرم‌انگاری کلاهبرداری در قانون مجازات عمومی سابق مصوب ۱۳۰۴، و باتوجه به وجود خلأهای قانونی در برخی از موارد، قانون‌گذار سعی نمود با وضع قوانین خاص و یا در حکم کلاهبرداری دانستن مواردی در سایر قوانین، نسبت به رفع این خلأها اقدام نماید. یکی از این قوانین، قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می‌نمایند مصوب ۱۳۰۷ می‌باشد. قانون‌گذار رفتار تبانی‌کنندگان برای بردن مال دیگری را کلاهبرداری محسوب نموده و مجازات آن را به ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی سابق احاله نمود. باتوجه به نسخ بعدی قانون مجازات عمومی، تعیین مجازات و آثار و شرایط آن و نیز افراد مشمول قانون موضوع ماده ۱ آن قانون، با وجود اصل حق اقامه دعوا برای همگان مطابق اصل ۳۴ قانون اساسی، از نکات چالش‌برانگیز بوده که با وجود گذشت نزدیک به یک قرن، همچنان محل اختلاف نظر میان قضات و حقوق‌دانان بوده و حتی این امر منجر به تفاسیر متفاوت از قانون و صدور آراء متناقض گردید. لذا باتوجه به این امر، در این مقاله با محوریت رأی صادره از سوی مرجع قضایی، سعی گردید با نقد و بررسی آن، راهکارهایی جهت حل مشکل و پایان دادن به اختلاف نظرها ارائه گردد.

واژگان کلیدی: کلاهبرداری، تبانی، جرم‌انگاری، احاله مجازات.

* دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم تحقیقات، تهران، ایران.

مقدمه

قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می‌نمایند در سال ۱۳۰۷ یعنی پس از گذشت سه سال از تاریخ تصویب قانون مجازات عمومی به تصویب مجلس شورای ملی وقت رسید. این قانون در مقام رفع خلاء قانونی برای کلاهبرداری افرادی که با تبانی و با توسل به طرح و اقامه دعوای صوری قصد بردن مال دیگری را دارند، وضع شده است. باتوجه به این که اقامه دعوا در مراجع قضایی یکی از حقوق اساسی افراد بوده که در اصل ۳۴ قانون اساسی صراحتاً پیش‌بینی شده است؛ تعیین افراد مشمول این قانون و همچنین تعیین مجازات تبانی‌کنندگان برای بردن مال دیگری به جهت احاله مجازات آنان به قانون دیگر و نسخ بعدی آن قانون و نیز شمول احکام خاص حاکم بر مجازات کلاهبرداری به جرایم در حکم کلاهبرداری، از موضوعات چالش برانگیز و اختلافی میان قضا و حقوق‌دانان بوده که در بسیاری از موارد شاهد اتخاذ رویه متفاوت و متناقض، در صدور آراء می‌باشیم^۱. البته لازم به ذکر است با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در سال ۱۳۹۹، بسیاری از مشکلات مربوط به آثار حاکم بر مجازات کلاهبرداری و جرایم در حکم کلاهبرداری از جمله امکان تخفیف مجازات حبس به کمتر از یک سال در صورت وجود شرایط، امکان تعلیق مجازات و غیره تا حدودی مرتفع گردید. ولی هنوز بسیاری از موارد دیگر مورد اختلاف و چالش‌انگیز وجود داشته و قابل نقد و بررسی است. از این رو، در این مقاله با محوریت رأی صادره از یکی از مراجع قضایی استان مازندران سعی گردید موارد مذکور مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

۱. وقایع پرونده

مشتمل‌کننده عنهم که مادر و فرزندان می‌باشند؛ با طرح دعوای حقوقی در شعبه اول

۱. به‌عنوان نمونه می‌توان از دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۰۹۰۰۲۷۲ صادره از شعبه ۱۱۶۴ دادگاه عمومی جزائی تهران نام برد که دادگاه صادرکننده رأی عمل تبانی‌کنندگان برای بردن مال غیر را شروع به آن جرم تلقی نمود و آن‌ها را به تحمل یک سال حبس محکوم نمود لکن شعبه ۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در مقام رسیدگی تجدیدنظرخواهی، عمل مرتکبان را جرم تام اعلام و با تصحیح عنوان اتهامی، اقدام به صدور رأی اصلاحی نمود.

دادگاه عمومی شهرستان چالوس و بر مبنای فروش‌نامه مقدم‌التاریخ تنظیمی فی‌مابین آن‌ها، درخواست ابطال مبیعه‌نامه عادی تنظیمی با تاریخ مؤخر فی‌مابین شاکی با مادرشان را از دادگاه حقوقی درخواست نموده‌اند. بر مبنای دعوای مطروحه، شعبه اول دادگاه حقوقی شهرستان چالوس اقدام به تعیین وقت رسیدگی نمود. پس از تشکیل جلسه رسیدگی و اظهار وکیل خوانده مبنی بر غیرواقعی بودن فروش‌نامه استنادی خواهان و نهایتاً با طرح شکایت کیفری بعدی با عنوان جعل، استفاده از سند مجعول و تبانی برای بردن مال غیر در دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان چالوس، موضوع جهت بررسی و انجام تحقیقات به شعبه اول دادیاری دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان چالوس ارجاع گردید. پس از انجام تحقیقات از جمله تحقیق از مسجّلین ذیل مبیعه‌نامه ابرازی و نیز انجام کارشناسی که تاریخ مندرج در مبیعه‌نامه را منطبق بر قدمت سند ندانسته و تاریخ واقعی نگارش سند عادی را در تاریخ نزدیک‌تری اعلام نموده بود؛ نهایتاً قرار جلب به دادرسی صادر و پس از صدور کیفرخواست پرونده به شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو شهرستان چالوس ارجاع گردید. دادگاه مذکور پس از تعیین وقت رسیدگی و استماع اظهارات طرفین و وکلای آن‌ها، نهایتاً به استناد ماده ۱ قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می‌نمایند و نیز با رعایت ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری هر یک از متهمین را به تحمل یک سال حبس و پرداخت ۱/۷۶۰/۰۰۰ تومان جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم نمودند. از آن‌جا که اقدامات متهمین منجر به بردن مال غیر نگردیده بود، دادگاه رسیدگی‌کننده، رد مال را منتفی دانست؛ اما در خصوص اتهامات جعل و استفاده از سند مجعول هم با این استدلال که فروش‌نامه اشاره‌شده فی‌مابین متهمین جهت بردن مال غیر تنظیم گردیده و فاقد آثار حقوقی است و اصالت امضاء کلیه متهمین در مفاد قرارداد را محرز دانسته‌اند؛ آن را مصداق بزه جعل و استفاده از سند مجعول ندانسته و به جهت عدم احراز تحقق بزه‌های مذکور و با استناد به ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری حکم بر برائت متهمین صادر نمودند. در خصوص کیفر حبس مقرر هم با توجه به وضعیت خاص متهمین و وجود رابطه نسبی شاکی با آن‌ها، محکومیت حبس را به مدت ۳ سال تعلیق نمود.

۲. نقد و بررسی رأی

قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می‌نمایند، پس از گذشت ۳ سال از تاریخ تصویب قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ به تصویب مجلس شورای ملی وقت رسید. این قانون یکی از قوانین کاربردی در نظام قضایی ایران بوده که به جهت وجود پرونده‌های متعدد در این خصوص، به کرات مورد استناد مراجع قضایی قرار می‌گیرد. قانون‌گذار در ماده ۱ قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می‌نمایند؛ تبانی و مواضع چند نفر برای طرح دعوای صوری علیه همدیگر به منظور بردن مال دیگری را جزء توسل به وسایل متقلبانه برای بردن مال غیر تلقی نموده که مرتکبان آن به مجازات مندرج در ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی محکوم خواهند شد. عبارات «اقامه دعوا علیه همدیگر»، «ناشی از تبانی قبلی» یا «تبانی به منظور بردن مال دیگری» و نیز عنوان مجرمانه مقرر بر عمل ارتكابی مرتکبان و یا تعیین مجازات مقرر و نیز امکان تخفیف یا تعلیق مجازات از نکات بحث‌برانگیز و قابل تأمل قانون مذکور می‌باشد. از سوی دیگر، مطابق اصل ۳۴ قانون اساسی، دادخواهی حق مسلم هر فرد بوده و هر شخص حق دارد که برای رسیدگی به ادعای خود اقدام به طرح دعوا نماید و یا برای احقاق حق خود به مراجع قضایی مراجعه نماید. به نظر می‌رسد قانون مذکور در مقام بیان استثنایی بر اصل مذکور می‌باشد. در پرونده حاضر اقامه دعوا حقوقی صورت گرفته از سوی تعدادی از مشتکی‌عنهم علیه شاکی و مادرشان و دعوت نامبردگان به یک دادرسی حقوقی عادلانه با شکایت کیفری متقابل شاکی مواجه گردید و چنین اقدامی از سوی مقامات دادرسی و دادگاه صادرکننده دادنامه منطبق بر ماده ۱ قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می‌نمایند، تلقی گردید. در راستای تشخیص صحت و سقم دادنامه صادره و بررسی مطابقت یا عدم مطابقت آن با موازین و مقررات قانونی، ضرورت دارد برخی از عبارات و منطوق قانون مذکور مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

۲.۱. اقامه دعوی علیه همدیگر

باتوجه به اصل ۳۴ قانون اساسی که طی آن قانون‌گذار صراحتاً حق دادخواهی و تظلم‌خواهی و اقامه دعوا در مراجع قضایی را برای همه افراد شناخته است، می‌توان

گفت: اصل بر وجود حق اقامه دعوا برای افراد بوده و محدود نمودن آن امری خلاف اصل و استثنایی است. بنابراین از این حیث، قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می‌نمایند، باید به صورت محدود و مضیق و تنها در امور ثابت و مسلم تفسیر گردد. در ماده ۱ قانون مذکور، قانون‌گذار، تبانی و مواضعه قبلی دو یا چند نفر و اقامه دعوی علیه همدیگر را با قصد بردن مال دیگری، جرم دانسته است. به نظر می‌رسد فلسفه و هدف قانون‌گذار از وضع ماده مذکور این بوده که دو یا چند نفر نتوانند در غیاب مالک یا متصرف قانونی مالی و بدون اطلاع او با طرح دعوی صوری علیه یکدیگر موفق به اخذ حکم از دادگاه و بردن مال او گردند. باتوجه به عبارت «تبانی» مرتکبین، بزه مذکور حداقل با مباشرت دو نفر تحقق می‌یابد.

به تعبیر دیگر، تبانی‌کنندگان الزاماً دو نفر یا بیشتر هستند (سالاری، ۱۳۹۸: ۲۰۶). بنابراین، به نظر می‌رسد اگر شخص یا اشخاصی در جهت احقاق حق خود و یا به تصور داشتن حق، با تبانی قبلی اقدام به طرح دعوا در مرجع قضایی نمایند و شخص ثالث ذی‌نفع (اعم از مالک یا متصرف قانونی) را طرف دعوا قرار داده و او را برای یک فرآیند دادرسی عادلانه و منصفانه به دادگاه دعوت نمایند، چنین امری از دایره شمول ماده ۱ قانون مذکور خارج می‌باشد؛ زیرا در این مورد اقامه دعوا تنها علیه تبانی‌کنندگان صورت نگرفته، بلکه شخص یا اشخاص ثالث هم به دادرسی فراخوانده شدند و نمی‌توان چنین دعوایی را اقامه دعوا علیه همدیگر تلقی نمود. با توضیح فوق، به نظر می‌رسد بر دادنامه صادره از شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو شهرستان چالوس که بدون توجه به محتویات پرونده حقوقی و طرف دعوا قرار گرفتن مالک و ذی‌نفع ادعایی، تنها صرف اقامه دعوا را بدون لحاظ اصحاب دعوا منطبق بر ماده ۱ قانون مذکور دانسته است، ایراد وارد است.

۲.۲. در حکم شروع به کلاهبرداری یا در حکم کلاهبرداری

هرچند به نظر برخی از حقوق‌دانان، تبانی و اقامه دعوا صوری علیه همدیگر برای بردن مال غیر باید منتهی به بردن مال گردد و اعمال مجازات کلاهبرداری بر مرتکبان به صرف توسل به وسایل متقلبانه، بدون بردن مال غیر را خلاف عدالت دانسته‌اند (حبیب‌زاده، ۱۳۹۶: ۴۲۵). مع الوصف، به نظر برخی دیگر از حقوق‌دانان، صرف اقامه دعوی بدون نتیجه آن، مشمول ماده ۱ مذکور می‌گردد

(میرمحمدصادقی، ۱۳۹۸: ۱۳۵). به نظر می‌رسد بزه مذکور برخلاف بزه کلاهبرداری، جزء جرایم «مطلق» بوده و برای تحقق آن نیازی به حصول نتیجه مجرمانه (یعنی بردن مال دیگری) نمی‌باشد (آقای‌نیا و رستمی، ۱۳۹۷: ۱۲۰).

نکته مهم و قابل توجه در این ماده این است که قانون‌گذار تبانی و اقامه دعواء صوری علیه همدیگر را جزء توسل به وسایل متقلبانه برای بردن مال دیگری پیش‌بینی شده در ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی محسوب نموده است که مرتکبان آن به مجازات مندرج در ماده مذکور محکوم خواهند شد. نظر به این‌که ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی دربردارنده بزه کلاهبرداری و شروع به کلاهبرداری است؛ از این حیث به نظر می‌رسد از نظر تحلیل حقوقی، اقدام تبانی‌کنندگان منطبق بر شروع به کلاهبرداری و تعریف بزه مذکور باشد، لذا مرتکبان مستحق مجازات مقرر برای بزه شروع به کلاهبرداری می‌باشند؛ و نه جرم تام کلاهبرداری. چنین تفسیری با منطوق قانون سازگاری بیشتری دارد و به عدالت هم نزدیک‌تر است. بدیهی است باتوجه به مراتب تفسیر قوانین کیفری، درصورت وجود شک و تردید در مفاد قانون یا مصادیق آن، باید آن را به نفع متهم تفسیر نمود. البته به‌موجب ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ که به ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی الحاق گردید؛ در حال حاضر مصادیق خاص قانونی که در آن‌ها برای شروع به جرم مشخص، تحت همین عنوان مجازات تعیین شده است، نسخ گردید و برای تعیین مجازات شروع به کلاهبرداری باید به ماده ۱۲۳ قانون مجازات اسلامی استناد نمود. باید توجه داشت که مجازات کلاهبرداری، حبس تعزیری درجه چهار و مجازات شروع به کلاهبرداری، حبس تعزیری درجه ۵ (یعنی بیش از دو تا پنج سال حبس) است. از سوی دیگر، باتوجه به نسخ تبصره ۱ ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری به‌موجب ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، محدودیت دادگاه در تعیین حبس کم‌تر از یک سال برداشته شد و از این حیث دادگاه‌های رسیدگی‌کننده محدودیتی در استناد به مواد عمومی مربوط به تخفیف و کاهش حبس به کم‌تر از یک سال یا تبدیل آن به مجازات متناسب دیگر نخواهند داشت. ضمن این‌که در جرایم در حکم کلاهبرداری یا شروع به آن‌ها، تعلیق مجازات تا

سقف مبلغ یکصد میلیون ریال بلامانع اعلام گردید (تبصره الحاقی ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی). لذا از این حیث بر فرض جرم دانستن عمل مرتکبین و انطباق آن با بزه تبانی برای بردن مال غیر، تعلیق مجازات مرتکبان صحیح به نظر می‌رسد و بر دادنامه صادره ایراد و اشکالی وارد نمی‌باشد؛ زیرا مبلغ موضوع فروش‌نامه یک میلیون و هفتصد هزار تومان درج شده بود و در این موارد مطابق رویه معمول، مبلغ مندرج در سند ملاک و معیار می‌باشد. به هر حال به نظر می‌رسد مطابق موارد پیش گفته، باتوجه به فقدان شرط مربوط به اقامه دعوا علیه همدیگر، عمل ارتكابی منطبق با بزه مندرج در ماده ۱ قانون مذکور نمی‌باشد.

۲.۳. عدم احراز بزه جعل و استفاده از سند مجعول

دادگاه صادرکننده دادنامه با این استدلال که تنظیم فروش نامه با تاریخ مقدم فی‌مابین متهمین جهت بردن مال غیر تنظیم گردیده و از این جهت فاقد آثار حقوقی است آن را مصداق بزه جعل و استفاده از سند مجعول ندانسته است؛ چه اصالت امضای کلیه متهمین در مفاد قرارداد محرز بوده و امضایی جعل نگردیده، بنابراین، حکم براءت متهمین را از اتهامات مذکور صادر و اعلام نمود.

به نظر می‌رسد دادنامه صادره در این خصوص با ایراد مواجه باشد؛ زیرا مطابق صدر ماده ۵۲۳ قانون تعزیرات، ساختن سند یا نوشته به قصد تقلب از مصادیق بزه جعل است و در این نوع جعل، مرتکب یا مرتکبان در جهت تضییع حقوق دیگری با ساختن سند یا قرارداد آن را به تاریخ قبل منتسب می‌نمایند که این امر از مصادیق بارز بزه جعل بوده و استفاده از چنین سندی در دادگاه و اقامه دعوا بر مبنای آن نیز مصداق بزه استفاده از سند مجعول است. لازم به ذکر است مطابق نظر حقوق دانان این امر که در ساختن این‌گونه نوشته یا سند، امضاء کسی هم جعل شده باشد ضرورت ندارد و البته باید چنین نوشته یا سندی قابلیت اضرار به غیر را داشته باشد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۸: ۲۳۸). البته این نکته هم قابل ذکر است که باتوجه به این امر و استدلال پیش گفته در جهت تعیین عناوین مجرمانه مورد حکم و مجازات باید قائل به تفصیل شد؛ چنان‌چه بزه تبانی برای بردن مال غیر را به جهت طرف دعوا قرار دادن و حضور همه افراد ذی‌نفع در پرونده، منتفی دانسته شود، قطعاً بزه جعل سند عادی و استفاده از سند مجعول تحقق یافته است و

چنانچه بزه تبانی برای بردن مال غیر را ثابت دانسته، بزه جعل مادی از طریق ساختن سند غیرواقعی و به قصد تقلب محرز و مسلم بوده و دادگاه باید از باب تعدد مادی جرم اقدام به اخذ آخرین دفاع و صدور حکم بر محکومیت متهمان به عناوین مجرمانه، جعل سند عادی و تبانی برای بردن مال غیر می‌نمودند. اما بزه استفاده از سند مجعول منتفی است؛ زیرا همان‌گونه که دادگاه استدلال نمود چنین عملی جزء مقدمه بزه تبانی برای بردن مال غیر بوده و از این حیث نمی‌تواند خود به‌عنوان جرم مستقل تلقی گردد.

نتیجه‌گیری

از زمان تصویب قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می‌نمایند مصوب ۱۳۰۷، حدوداً یک قرن می‌گذرد. قانون‌گذار در تصویب این قانون از رعایت شیوه‌ها و فنون قانون‌گذاری از جمله؛ روشنی، صراحت و سهولت در دسترسی فاصله گرفته و با ذکر عبارات و اصطلاحات مبهم از جمله «تبانی و اقامه دعوا علیه همدیگر»، محسوب نمودن عمل ارتكابی به تشبیه به وسایل متقلبانه برای بردن مال غیر موضوع ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی و احاله مجازات به آن قانون موجبات تفاسیر متفاوت و تشتت آراء را فراهم ساخته است که به نظر می‌رسد قانون‌گذار باید با اصلاح قانون مذکور اقدام به تعیین تکلیف نموده و با تعیین عنوان مجرمانه مستقل و نیز مجازات معین و مشخص برای رفتارهای ارتكابی؛ آن‌ها را در یک ماده خاص بیان نماید و از احاله مجازات جرم مذکور به قانون دیگر و در حکم جرم دیگر دانستن آن بپرهیزد.

به‌علاوه، نظام عدالت کیفری از جمله دیوان عالی کشور می‌تواند تا زمان اصلاح قانون مذکور، با صدور آراء وحدت رویه در این خصوص اقدام نموده تا مراجع قضایی به‌صورت متحدالشکل عمل نمایند. درواقع، مقصود قانون‌گذار از «اقامه دعوا علیه همدیگر» را با لحاظ حق اقامه دعوای اشخاص مندرج در اصل ۳۴ قانون اساسی، صراحتاً بیان نماید و این‌که رفتار ارتكابی مرتکبان در ماده ۱ قانون مذکور در حکم شروع به کلاهبرداری است یا کلاهبرداری تام.

درنهایت، باتوجه به تغییرات به‌وجودآمده برای جرایم در حکم کلاهبرداری در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، به نظر می‌رسد جرایم در حکم کلاهبرداری و

شروع به آن‌ها، قابل تخفیف مجازات بدون محدودیت و تابع مقررات عمومی حاکم بر تخفیف مجازات باشند. همچنین تعلیق و تعویق صدور حکم نسبت به جرایم با ارزش مالی تا ده میلیون تومان از نظر قانونی بلامانع بوده و بیش از مبلغ مذکور ممنوع می‌باشد. به علاوه، جرایم مذکور تا یک صد میلیون تومان نیز قابل گذشت می‌باشند.

منابع

- آقایب‌نیا، حسین و رستمی، هادی (۱۳۹۷). جرایم علیه اموال و مالکیت، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر (۱۳۹۶)، تحلیل جرایم کلاهبرداری و خیانت در امانت در حقوق کیفری ایران، چاپ پنجم، تهران: انتشارات دادگستر.
- سالاری، مهدی (۱۳۹۸)، کلاهبرداری و ارکان متشکله آن، چاپ سوم، تهران: انتشارات میزان.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۸)، جرایم علیه اموال و مالکیت، چاپ پنجاه و ششم، تهران: انتشارات میزان.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۸)، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ پنجاه و ششم، تهران: انتشارات میزان.